

## چگونگی جمع بین گردشگری حلال و روایاتی که سیاحت را نکوهش کرده‌اند

مرتضی رحیمی<sup>\*۱</sup>

۱- بخش علوم قرآن و فقه دانشکده الهیات، دانشگاه شیراز، ایران.

پدیرش مقاله: ۲۴ شهریور ۱۳۹۹

دریافت مقاله: ۵ فروردین ۱۳۹۹

## چکیده

این پژوهش که با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده، در پی آن است که بین روایاتی که سیاحت را نکوهش کرده‌اند، با گردشگری حلال جمع کند. از این پژوهش برمی‌آید که اسلام برای سیاحت به معنای گردشگری اهدافی در نظر گرفته است. مواردی هم‌چون «سفر»، «سیر»، «نفر»، «هجرت» و مانند این‌ها زیرمجموعه سیاحت قرار می‌گیرند. اسلام، سیاحتی را که موجب بریدن از جامعه، سخن‌چینی، افساد بین دیگران و مانند این‌ها می‌شود، نمی‌پذیرد. کلمه «سیاحت» در طول زمان تغییرات زیادی یافته است. روایاتی که سیاحت را نکوهش کرده‌اند، گردشگری حلال را نفی نمی‌کنند، زیرا این نوع روایات، بر «سیاحت» به معنای مذموم آن، یعنی رهبانیت و انزوای متحرک، سیاحت با هدفی غیر شرعی هم‌چون افساد بین دیگران، سخن‌چینی و ... دلالت دارند، اما سیاحت خوب (گردشگری حلال)، موجب پایداری زندگی اجتماعی، استحکام نهاد خانواده، نشاط علمی، کسب تجارب مفید و مانند آن می‌شود. از همین رو در بحث نماز و روزه مسافر و دیگر تکالیف مشابه، احکام متفاوتی برای گردشگری حلال و حرام بیان شده است.

**کلمات کلیدی:** سیاحت، گردشگری حلال، رهبانیت، سفر

## مقدمه

دیگر آن را نکوهش کرده‌اند؛ از این رو بررسی چگونگی جمع بین این دو دسته و دلایل آن اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا چنان‌که می‌دانیم، امروزه «سیاحت» به عنوان یک علم مستقل اهمیت فراوانی یافته و توجه زیادی را به خود جلب نموده است؛ در گذشته نیز

کلمه «سیاحت» و مشتقات آن در متون اسلامی اعم از قرآن و روایات به کار رفته است. از سوی دیگر واژه‌هایی هم‌چون «سفر»، «سیر»، «رحله» و «هجرت» نیز از سیاحت حکایت دارند. برخی از متون اسلامی، سیاحت به معنای گردشگری را تشویق کرده و برخی

\*نویسنده مسئول: مرتضی رحیمی، آدرس ایمیل: [mrahimi@shirazu.ac.ir](mailto:mrahimi@shirazu.ac.ir)، شماره تماس: ۰۹۱۷۸۰۶۷۲۸۹

[view Journal](#)

<https://doi.org/10.30502/h.2020.224398.1018>



This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International](#) license

عالمان اسلامی با نگارش سیاحت نامه بر اهمیت سیاحت و گردشگری تأکید نموده‌اند.

کننده از سیاحت و راه‌های جمع آن‌ها با ادله جواز سیاحت اشاره نکرده است؛ از این رو پژوهش حاضر که با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است، دارای این ویژگی است که در صدد پاسخ به پرسش‌هایی است که در کتب و مقاله مورد اشاره، پاسخی برای آن یافت نشده است. سوالات مذکور عبارتند از: آیا ادله‌ای برای جواز و عدم جواز سیاحت مورد استناد قرار گرفته‌اند؟ بر فرض وجود ادله جواز و عدم جواز سیاحت، آیا بین این دو دسته ادله تعارض وجود دارد؟ راهکارهای جمع بین ادله جواز و عدم جواز سیاحت کدامند؟

در شرح حال بسیاری از دانشمندان اسلامی می‌بینیم که گردشگری و سیاحت، در موفقیت آنها تأثیر زیادی داشته است؛ مثلاً درباره شیخ بهایی گفته شده که: «شیخ بهایی به مدت سی سال در زمین گردشگری (سیاحت) کرده و بیشتر شهرهای اسلامی در نقاط دنیا را گشته و در آنها با صاحبان فضل و علم گفتگو کرده و به خاطر هم‌نشینی با ایشان به درک چیزهایی دست یافته که برای دیگران دشوار و محال بوده، پس از آن از گردشگری‌های مزبور بازگشته و در سرزمین عجم (ایران) وطن‌گزیده است» [۱].

## ۲. مفهوم‌شناسی اصطلاحات

سیاحت به کسر سین در لغت به معنای ذهاب (رفتن) در زمین به کار رفته است [۳]. بسیاری از دانشمندان لغت، قید «للعبادۀ و الترهّب» (برای عبادت و رهبانیت) را در تعریف لغوی «سیاحه» لحاظ کرده‌اند؛ مثلاً ابن‌منظور مصری درباره سیاحت به کسر سین و سیوح به ضم سین و سیحان به فتح سین و یاء و سیحان به فتح سین و سکون یاء [۳] گفته است: «سیاحت به معنای رفتن در روی زمین برای عبادت و رهبانیت است و ساح فی الارض یسیح سیاحه و سیوحاً و سیاحه و سیحاناً ای ذهب» [۴]. فراهیدی نیز گفته است: «سیاحت یعنی رفتن در روی زمین برای عبادت» [۵] همین تعبیر را می‌توان در کتب لغت دیگر مشاهده نمود» [۶]

با وجود آنچه گذشت، برخی از عالمان لغت تصریح نموده‌اند که قید «عبادت» در کتب آسمانی پیشین به کار رفته و یک اصطلاح می‌باشد؛ از همین روی در لزوم قید مزبور برای تعریف «سیاحت» تردید کرده‌اند، چنان‌که فیروزآبادی پس از آن که به نقل از استادش به تردید مزبور اشاره کرده، گفته است: «سیاحت، مطلق رفتن در روی زمین است، خواه برای عبادت باشد

در مقابل آنچه که در اهمیت سیاحت و گردشگری گذشت، برخی از متون اسلامی هم‌چون «در اسلام سیاحت وجود ندارد» [۲] و مانند آن از سیاحت نهی کرده‌اند، از همین رو جمع بین این دو نوع از متون، ضروری می‌نماید.

## ۱. پیشینه تحقیق

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که پژوهش‌های زیادی درباره دیدگاه اسلام در خصوص سیاحت وجود دارد که از آن میان می‌توان به کتاب‌های «فقه السیاحه و السفر» از سید صادق شیرازی و «السیاحه احکامها و آدابها فی ضوء القانون و الشریعه» از محمد شاه‌جهان ندوی اشاره نمود. مقاله‌هایی نیز در این باره نگاشته شده‌اند که از آن میان می‌توان به مقاله «معناشناسی واژه سیاحت و مترادفات آن در قرآن کریم» اشاره نمود. کتاب‌های مورد اشاره ضمن بحث درباره سیاحت به احکام فقهی سیاحت اشاره نموده‌اند، اما راه‌های جمع بین ادله جواز سیاحت و ادله‌ای که از سیاحت نهی می‌کنند را بیان نکرده‌اند. مقاله مورد اشاره نیز عناوین گوناگونی که مفهوم سیاحت را بیان می‌کنند، مورد اشاره قرار داده، اما به ادله نهی

از سیاحت با رهبانیت نزدیک است و رهبانیت می‌تواند یکی از اقسام سیاحت مذموم بوده و مورد پذیرش اسلام نمی‌باشد؛ زیرا این نوع از سیاحت، گردشگری بی‌حاصل و بی‌هدف است که برای دین یا دنیای انسان سودی ندارد، چنان که برخی از مفسران درباره مفهوم سیاحت مذموم گفته‌اند: «منظور از آن، زندگی کسانی است که برای تمام عمر یا مدتی، از زندگی اجتماعی به کلی جدا می‌شدند و بی‌آنکه فعالیتی داشته باشند، در روی زمین به حرکت می‌پرداختند و هم‌چون راهبان زندگی می‌کردند و سربار اجتماع بودند. به تعبیر دیگر، کار آنها رهبانیت سیار بود، در مقابل راهبان ثابتی که در دیرها منزوی و از جامعه برکنار بودند؛ از آنجا که اسلام با رهبانیت و انزوی اجتماعی مخالف است، این نوع سیاحت را نیز محکوم می‌کند» [۱۰].

برخی از دانشمندان اسلامی در تعریف نوع مذموم از «سیاحت» گفته‌اند: سیاحت در اصطلاح عبارت است از دور شدن از شهرها و ساکن شدن در بیابان‌ها و ترک حضور در نماز جمعه و جماعت‌ها [۶].

سیاحت در معنی مطلوب آن «عبارت است از نقل از یک مکان به جای دیگر، برای هدف دینی یا دنیوی» [۱۱]. در تأیید این تعریف از سیاحت، فقهای اسلامی عنوان مسافر را بر افرادی که سیاحت می‌کنند و وطن خاصی ندارند، صادق ندانسته‌اند، چنان که ابن‌رائق حنفی گفته است: «پیشوایان ما به دلیل فرعی که بر آن اجماع دارند، از حقیقت به مجاز عدول کرده‌اند و آن این است که هرگاه اصلاً وطنی برای بازگشت فرد به آن وجود نداشته باشد، بلکه فرد به طور مستمر سیاحت کند، واجب است روزه بگیرد» [۱۲، ۱۱]. سید ابوالحسن اصفهانی از فقهای امامیه نیز گفته است: «اما سیاحت‌کننده‌ای که بنا دارد تا هنگامی که زنده است، سیاحت کند، فاقد وطن است، لذا گفته می‌شود که وی از وطن خود به عنوان مسافر

یا غیر عبادت، و در حدیث آمده است: لاسیاحه فی الاسلام» [۳]. بر این اساس «سیاحت» به معنای مطلق رفتن در زمین است. این معنا از سیاحت با توجه به مصادیق گوناگون آن که از نگاه شرعی حکم متفاوتی دارند، تأیید می‌گردد؛ یعنی چنان که خواهد آمد، برخی از مصادیق سیاحت، مذموم و برخی از مصادیق آن محمود هستند. از سویی، برخی از دانشمندان اهل لغت «سیاحت» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «سیاحت عبارت است از منتقل شدن از یک سرزمین به سرزمین دیگر برای انگیزه‌هایی هم‌چون تفریح، به دست آوردن اطلاعات و کشف» [۷].

از آنچه درباره معنای لغوی «سیاحت» گذشت، بر می‌آید که معنای کلمه «سیاحت» به مرور زمان با تغییرات همراه شده است، چنان که برخی از دانشمندان اسلامی به این امر تصریح نموده‌اند: «در زمان معاصر ما معنای کلمه مزبور به تفریح، ایجاد رفاه و تلف کردن وقت تغییر یافته است» [۸].

در تعریف اصطلاحی سیاحت می‌توان گفت که سیاحت در دو قسم مذموم و محمود به کار رفته است. سیاحت به معنای مذموم آن عبارت است از: «گشتن در بلاد، بدون قصد شرعی» (کشف القناع ۵۰۶/۱). بر همین اساس برخی از مفسران گفته‌اند: «سیاحت در قوم بنی‌اسرائیل متداول بوده و گاهی فردی از این قوم به مدت چهل سال سیاحت می‌کرد و آنچه را که سیاحت‌کنندگان پیش از خودش دیده بودند، می‌دید؛ مثلاً زن‌زاده‌ای چهل سال سیاحت کرد و چیزی را ندید، آن‌گاه گفت: خدایا اگر پدر و مادرم گناه کردند و من خوبی کردم، پس چرا همان چیزی را می‌بینم که سیاحت‌کنندگان قبل دیدند» [۹].

این نوع از سیاحت که تنها سیر در روی زمین بوده و هدف روشنی نداشته است، در بنی‌اسرائیل مشروع و مجاز بوده است، اما چنان که خواهیم دید، این معنی

خارج شده است و در ضابطه و مناطق فردی داخل می‌شود که خانه‌اش را به همراه دارد، یعنی در عنوان مسافر داخل می‌شود [۱۳].

سیاحت در معنای مطلوب آن با گردشگری حلال مترادف است. سازمان جهانی گردشگری، گردشگری حلال یا (Halal tourism) را محصول جدیدی از صنعت گردشگری دانسته که برنامه‌های تفریحی و گردشگری ویژه‌ای را برای مسلمانان تدارک می‌بیند [۱۴]. به این معنا که مسلمانان از هر کشوری که باشند، مایلند در برنامه‌های تفریحی و سفرهای خود به آداب شرعی عمل کنند؛ مثلاً از غذای حلال رستوران‌ها استفاده کرده و یا در هتل‌هایی که مشروبات الکلی سرو نمی‌کنند، اقامت کنند. از این گذشته، بیشتر گردشگران مسلمان مایلند در برنامه سفر خود از اماکن مذهبی نیز بازدید کنند؛ از همین رو، گردشگری حلال نوع خاصی از گردشگری مذهبی تلقی شده که تمام فعالیت‌های آن با توجه به قوانین اسلامی انجام می‌شود. توریسم حلال یک محصول جدید از صنعت گردشگری است که برنامه‌های ویژه‌ای را برای مسلمانان تدارک می‌بیند، چراکه آنها دوست دارند در طول سفر به آداب مذهبی خود نیز عمل کنند [۱۵].

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت که «گردشگری حلال عبارت است از: مسافرت به منظور تفریح، تجارت و بهره‌مندی از سایر خدمات، به گونه‌ای که در تباین با دستورات اسلامی نبوده و تمهید خدمات مرتبط با آن، بر اساس شریعت اسلامی صورت گیرد.»

از تعریف یاد شده چنین به دست می‌آید که گردشگری حلال می‌تواند به شکل‌های مختلفی هم‌چون تفریح، سفر علمی، تجارت، ورزش، معالجه و مانند آنها صورت گیرد و ابعاد گوناگونی هم‌چون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مانند آنها داشته باشد.

این نوع از سیاحت در معنای سفر زیاد به کار رفته است؛ شاهد مدعا آن که برخی از نویسندگان اسلامی، تحت عنوان «سیاحت‌نامه» به نوشتن سفرنامه اقدام کرده‌اند، که از جمله آنها می‌توان به «بستان‌السیاحه» از ملا میرزای شیروانی، «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» تألیف زین‌العابدین مراغه‌ای و جز آن اشاره نمود و چنان که گذشت، برخی از فقهای اسلامی در بحث از نماز یا روزه مسافر، تحت عنوان «سیاحت» درباره آن سخن گفته‌اند [۱۳].

به غیر از «سیاحت» که در مفهوم گردشگری به کار می‌رود، کلمات دیگری در قرآن و دیگر متون اسلامی در معنای نقل مکان از جایی به جای دیگر برای تأمین نیازهای مادی و معنوی به کار رفته است که هریک از آنها مسافرت‌های خاصی را شامل می‌شود؛ مثلاً «سیر» به معنای انتقال و سفر از شهر و دیار به جایگاه دیگری است که همراه با تحقیق و تفکر در عالم هستی می‌باشد [۱۶]. کلمه «سفر» به معنای بیرون شدن از جایی به جای دیگر است که بیشتر خروج از محدوده وطن را شامل می‌گردد [۱۷].

اصل واژه سفر به معنای کشف و آشکار شدن است؛ یعنی با انتقال از مکانی به مکان دیگر، مکان‌های ناشناخته آشکار می‌شوند. «سیاحت» سفری است که گردشگر در آن به طور پیوسته و مستمر در حرکت است؛ به عبارت بهتر، سیاحت به معنای گردشگری و حرکت همراه با آرامش و اندیشه است [۱۶].

«خروج»، در آیه «وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (البقره/۱۴۹) به سفری اطلاق می‌شود که با هر هدف و انگیزه‌ای انجام می‌شود.

«رحله» که آیه «إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ» (ایلاف/۳) به آن اشاره دارد، نوعی از سفر است

«السائحون» فرموده‌اند: «آنها کسانی هستند که روزه می‌گیرند» [۱۹]. ابن‌منظور مصری گفته است: «زجاج گفته در گفته اهل تفسیر و همه اهل لغت، سائحون به معنای کسانی هستند که روزه می‌گیرند. حسن بصری گفته است: سائحون افرادی هستند که روزه واجب می‌گیرند؛ برخی گفته‌اند آنها کسانی هستند که به طور مداوم روزه می‌گیرند» [۴].

علت نامگذاری و تفسیر «سائحون» به روزه‌داران آن است که روزه‌داران به سیاحت‌کنندگان شباهت دارند، زیرا سیاحت‌کنندگان در روی زمین از شهوات و خواسته‌های نفسانی ممنوع هستند، همان‌گونه که روزه‌داران از آنها ممنوع می‌باشند [۲۰].

#### (۲) - جهاد:

این مصداق «سیاحت ممدوح» نیز توسط برخی از مفسران و پاره‌ای از روایات به آن تصریح شده است، چنان که پیامبر (ص) به عثمان بن مظعون که هوای سیاحت و گردشگری در کوه و دشت را در سر می‌پروراند فرمود: «سیاحت امت من جنگ و جهاد است» [۲۱]. همچنین در پاره‌ای از روایات در تفسیر آیه «التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون»، (تحریم/۵) تصریح شده که منظور از «سائحون»، افرادی هستند که به جنگ و جهاد اقدام می‌کنند [۲۲، ۲۳]. همچنین برخی از مفسران با توجه به حدیث مزبور و نیز با توجه به حدیث «جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.» [۱۹]، گفته‌اند که ممکن است منظور از کلمه «سائحات» در آیه «عَسَى رَبُّهُ أَنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا» (التحریم/۵) زنان مجاهد باشد [۲۴، ۲۵].

(۳) - جهانگردی برای دیدن آثار صنع و آیات خداوند [۲۶]

(۴) - سیاحت برای طلب علم [۲۷]

که در آن حرکت و انتقال از محلی به محل دیگر، همراه با اسباب و وسایل خواهد بود.

«ضرب فی الارض» که آیه «وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» (البقره/۱۰۱) به آن اشاره دارد، نیز به معنای سفر به کار رفته است، اما برخی آن را به معنای حرکت و خارج شدن به منظور جنگ و نبرد یا طلب رزق و روزی در نظر گرفته‌اند.

«اسری» به معنای حرکت و سفر شبانه است، که آیه «سبحان الذی أسرى بعبده» (اسراء/۱) به آن اشاره دارد. کلمه «نفر» که آیه «فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه/۱۲۲) به آن اشاره دارد، به معنای خارج شدن و دور گشتن از محل زندگی به قصد جهاد با دشمنان در راه خدا است.

«هجرت» به مسافرتی اطلاق می‌شود که طی آن مهاجر محل زندگی و سرزمین خویش را ترک می‌کند و به سرزمین دیگر می‌رود، به گونه‌ای که قصد مهاجر از اقامت در سرزمین جدید، آن است که در آنجا به ایمان و آرامش برسد [۱۶].

#### ۱-۲. مصادیق سیاحت ممدوح

با توجه به آنچه در معنای سیاحت ممدوح و مطلوب گذشت، از نگاه متون اسلامی، سیاحت ممدوح مصادیقی دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود؛

#### (۱) - روزه:

این مصداق از «سیاحت ممدوح» بر اساس تفسیر آیه «التائبون العابدون الحامدون السائحون» (تحریم/۵) و پاره‌ای از روایات نتیجه گرفته شده است؛ چنان که پیامبر (ص) فرموده‌اند: «سیاحه أمتی الصوم» [۱۸] سیاحت امت من روزه گرفتن است. همچنین آن حضرت در روایت دیگری در تفسیر

شریفی» اشاره نموده‌اند(همان). بدیهی است که عناوین مزبور یکی هستند و تعارضی با هم ندارند. افزون بر مصادیق گذشته، امروزه از مصادیق دیگری از «سیاحت» سخن به میان می‌آید که از جمله آنها می‌توان به «سفرهای تفریحی»، «سفر تجاری»، «سفر ورزشی»، «سفر برای درمان»، «سفر فرهنگی»، «سفر برای شرکت در کنفرانس‌ها و همایش‌های علمی» و مانند آنها اشاره نمود. این مصادیق می‌توانند در صورت تحقق برخی شرایط، به مصداق و عنوان «سیاحت برای انجام هر نوع کار خوب» بازگشت داشته شوند.

### ۳. مشروعیت گردشگری

با توجه به معانی و مصادیقی که برای سیاحت بیان شد، درباره مشروعیت و عدم مشروعیت سیاحت اختلاف است؛ مثلاً ابن‌جوزی دانشمندان اهل سنت گفته است: «سیاحت در روی زمین که سیاحت‌کننده در آن قصد خاصی ندارد و به مکان شناخته‌شده‌ای سیاحت نمی‌کند، مورد نهی است.» [۳۴] احمدبن حنبل نیز گفته است: «اسلام، سیاحت را نمی‌پذیرد؛ سیاحت کار پیامبران و صالحان نیست» [۳۵] از این گذشته، سفر موجب تشمت و پراکندگی دل است، لذا سزاوار است که مرید جز در طلب علم یا مشاهده مرادی که از وی پیروی می‌کند، سفر نکند [۳۴].

ابن‌رجب حنبلی در تعلیقی بر سخن احمدین حنبل درباره حکم سیاحت که پیش از این به آن اشاره شد، گفته است: «سیاحت به این معنی را طایفه‌هایی که کار ایشان عبادت و کوشش بدون علم بوده است، انجام داده‌اند» [۳۶]

برخی از دانشمندان اهل سنت، سیاحت به معنای رفتن در مکان‌های نامعلوم و سفرهایی که هدف مشروعی ندارند را مکروه دانسته‌اند و در این‌باره، گذشته از استناد به سخن احمدبن حنبل، به احادیثی که سیاحت را نکوهش کرده‌اند، همچنین احادیثی که

(۵)- حرکت در روی زمین برای طلب حدیث [۲۸] این نمونه می‌تواند زیرمجموعه مورد قبل قرار گیرد، اما برخی از مفسران از آن به طور خاص سخن گفته‌اند.

(۶)- سیاحت برای هدایت دیگران [۲۷]

(۷)- سیاحت برای زیارت ائمه (ع)(همان)

(۸)- سیاحت برای قضای حوائج مسلمانان (همان)

(۹)- سیاحت برای شناخت جوامع بشری و تقلید

و علوم ایشان که موجب رشد و نمو و زنده شدن فکر می‌گردد [۱۰].

(۱۰)- سیاحت برای شناخت عوامل سعادت و

بدبختی(همان)

(۱۱)- سیاحت برای حضور در نماز جماعت [۲۹]

(۱۲)- سیاحت برای انجام مناسک حج (همان)

(۱۳)- هجرت کنندگان [۳۰] این مصداق به هر

نوع هجرت از محیط نامناسب به محیط مناسب اشاره دارد، اما برخی از مفسران آن را به هجرت از مکه به مدینه محدود نموده‌اند [۳۰].

(۱۴)- سیاحت برای زیارت مشایخ و برادران دینی

[۳۱]

(۱۵)- سیاحت برای طلب روزی حلال [۳۲]

(۱۶)- افرادی که مشغول سیاحت و جهانگردی

هستند [۳۳].

(۱۷)- سیاحت برای اصلاح بین دیگران(جعفری،

بی‌تا، ج ۴: ۵۸۱)

(۱۸)- سیاحت برای انجام هر نوع کار خوب

خوب(همان) این مصداق، همه مصادیق پیشین و همانند آنها را دربرمی‌گیرد. برخی از مفسران از نمونه دیگری شبیه به این مصداق سخن گفته‌اند و آن «حرکت بر روی زمین برای هرآنچه مورد رضایت و خشنودی خداوند است» می‌باشد [۲۷]. برخی نیز به عنوان «سیرکنندگان در زمین برای انجام هر نوع کار

واجب است حج بگذارد، هر چند شوهر یا یکی از محرم‌هایش با او نباشند [۳۸] حنبله بر این باورند که حج بر زن، واجب نیست، مگر آن که شوهر یا یکی از محارم زن همراه او باشد. (همان: ۶۳۵) مالکیان بر این باورند که در صورتی که شوهر یا یکی از محرم‌ها و یا گروهی مورد اطمینان برای همراهی وجود داشته باشند، حج بر زن واجب است؛ اگر همراه مزبور وجود نداشته باشد، حج زن واجب نیست [۳۸].

شافعیه بر این باورند که در صورتی حج بر زن واجب است که شوهر یا یکی از محارم و یا دو یا چند زن مورد اطمینان، همراه او باشند. اگر تنها یک زن به عنوان همراه پیدا کند، حج بر او واجب نیست، گرچه جایز است که حج واجب را همراه همان یک زن انجام دهد، بلکه در صورت وجود امنیت، واجب است که به تنهایی برای ادای حج واجب مسافرت کند [۳۸]. بسیاری از دانشمندان اهل سنت با استناد به روایت «لعن الله زوارات القبور» [۳۹]، در زیارت قبور توسط زنان سخت‌گیری نموده و به عدم جواز آن حکم کرده‌اند [۴۰].

#### ۴. حکم سیاحت از نگاه فقهای امامیه

با توجه به دو نوع محمود و مذموم سیاحت، از نگاه فقه امامیه سیاحت احکام متفاوتی دارد، زیرا سیاحت به معنای رایج آن در مسیحیت پیش از اسلام، یعنی بیرون رفتن از شهر و آبادی به قصد عبادت و رهبانیت، نامشروع می‌باشد. سیاحت قلندریه و صوفیه از این نوع سیاحت می‌باشد. گذشته از روایاتی که سیاحت را نکوهش می‌کنند، دلیل بر نامشروع بودن این نوع سیاحت آن است که سیاحت به معنای یاد شده، موجب افزایش بیماری و گمراهی ابدی می‌گردد [۴۱]. اما سیاحت و سفر، تنها برای تجارت یا زیارت یا تحصیل علم و جز این‌ها، به دلایل چندی مجاز است، از جمله:

برای سیاحت مجاز، مصادیقی هم‌چون روزه گرفتن و مانند آن را بیان کرده‌اند، استناد جسته‌اند [۳۴].

در جای دیگر، محمدبن جعفر روایت کرده که محمدبن موسی خیاط درباره سیاحت از احمدبن حنبل سوال کرده و او در پاسخ گفته است: «سیاحت درست نیست؛ ازدواج و ماندن در مساجد خوب است» (همان) از آنچه گذشت، استفاده می‌شود که سیاحت مذموم که از جمله مصادیق آن سفر به مکان‌های نامعلوم و سفرهایی که فایده مشروعی ندارند است، مورد نکوهش هستند؛ اما چنان که سیاحت و گردشگری به قصد به دست آوردن سلامتی، طلب رزق و روزی و تجارت و مانند آن باشد، در فقه اهل سنت مورد مدح و ستایش قرار گرفته است. از این گذشته، به دلایلی سیاحت زنان را جایز دانسته‌اند؛ از جمله:

(۱) - افزون بر جواز سیاحت مزبور به صورت مطلق،

پیامبر(ص) و اصحاب ایشان همسران خویش را در سفرها به همراه خویش می‌بردند.

(۲) - همسران پیامبر(ص) و اصحاب ایشان، با

وجود آن که جهاد و جنگ بر ایشان واجب نبود، تا حد ممکن در جنگ‌ها همسران خود را یاری می‌کردند، بلکه حتی برای ایشان غذا و نوشیدنی تهیه می‌کردند؛ بنابراین وقتی همراه بردن زنان در این سفرها جایز است، به طریق اولی همراه بردن آنان در دیگر سفرها مجاز است [۳۷].

بیشتر اهل سنت همراهی محرم را در سیر و سفر برای زنان واجب دانسته‌اند. حنفیان شرایط وجوب حج و شرایط ادای آن را متفاوت دانسته، وجود همراه را برای حج لازم می‌دانند و اشاره می‌کنند که یکی از شرایط وجوب حج بر زن آن است که شوهر یا یکی از محرم‌های زن همراه وی باشند، خواه زن پیر باشد، خواه جوان. البته لزوم وجود همراه برای زن در صورتی است که زن بخواهد از جایی به مکه برود که سه روز یا بیشتر راه باشد و اما اگر کمتر از این اندازه باشد، بر او

(۱)- آیه «فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ». (توبه: ۲) پس چهار ماه به شما مهلت داده شد که در این سرزمین سیر کنید.

آیه مزبور، گرچه درباره سیاحت مشرکان در ماه‌های سیاحت، یعنی بیست روز از ذی‌الحجه، ماه محرم، ماه صفر، ماه ربیع الاول و ده روز از ربیع‌الثانی سخن می‌گوید، اما فقهاء با استناد به آن جواز گردشگری را نتیجه گرفته‌اند.

(۲)- آیه «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه: ۱۱۲) توبه‌کنندگان، پرستندگان، ستاینندگان، روزه‌دارانند، رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، امرکنندگان به معروف و نهی‌کنندگان از منکرند [۴۱]

(۳)- آیه «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ» (التحریم: ۵) شاید اگر شما را طلاق گوید، پروردگارش به جای شما زنانی بهتر از شمایش بدهد. زنانی مسلمان، مؤمن، فرمانبردار، توبه‌کننده، اهل عبادت و روزه.

استفاده جواز سیاحت به معنای گردشگری زنان از این آیه، مشروط به آن است که کلمه «سائحات» به معنای سیرکنندگان یا هجرت‌کنندگان باشد؛ برخی از مفسران شیعی کلمه مزبور را به معنای «سیرکنندگان» گرفته‌اند [۴۳، ۴۲]. برخی از مفسران کلمه مزبور را به معنای هجرت‌کنندگان گرفته‌اند [۴۴-۴۶].

با وجود آنچه گذشت، برخی از مفسران شیعی بر این باورند که استفاده جواز گردشگری زنان از این آیه، مشروط به آن است که همسران ایشان در سفر همراه آنها باشند [۴۷] اما بسیاری از فقهای شیعه گرچه در خصوص مسافرت‌های مستحب و مباح زنان، اجازه شوهر را شرط دانسته‌اند؛ اما درباره سفرهای واجب زنان، هم‌چون حج واجب اجازه شوهر را شرط

ندانسته‌اند [۴۸] درباره ضرورت همراه بودن محرم در سفر و گردشگری زنان، بسیاری از فقها تصریح نموده‌اند که اگر سفر و گردشگری مزبور برای زن خطری نداشته باشد، همراه بودن شوهر لازم نیست؛ مثلاً محقق حلی گفته است: «وجود همراه محرم برای زنان در سفر شرط نیست، بلکه ظن زن به سلامت و امنیت در سفر کافی است؛ حج مستحبی زن بدون اجازه زوج وی صحیح نیست، اما در حج واجب، زن هرگونه بخواهد حق انجام حج را دارد» [۴۹] با این حال، زنان باید در گردشگری خود ضوابط شرعی لازم دیگر را رعایت کنند.

(۴)- روایاتی که سفر و گردشگری را تشویق نموده‌اند، از جمله شعر علی (ع) که در آن فرموده است:

«برای تحصیل شرف و رفعت، از وطن دوری گزین و مسافرت کن که پنج غنیمت به دست آری؛ تفریح و برطرف شدن غصه، یافتن روزی، تحصیل علم، تحصیل ادب و پیدا کردن رفقای نیک» [۵۰، ۴۱].

گذشته از دلایلی که به آنها اشاره شد، آیاتی که سیر در روی زمین را تشویق می‌کنند (غافر: ۲۱؛ محمد: ۱۰؛ روم: ۹) و روایات دیگری که به مسافرت تشویق می‌کنند، هم‌چون این روایت که: «مسافرت کنید تا تندرست شوید و سود ببرید» [۵۱] و مانند این‌ها [۵۲] نیز می‌توانند برای مشروعیت گردشگری مورد استناد قرار گیرند.

#### ۴-۱. روایاتی که سیاحت را نکوهش می‌کنند

با وجود دلایل مشروعیت سیاحت و صنعتگری که به آنها اشاره شد، روایاتی سیاحت را نکوهش نموده‌اند که در ظاهر با ادله جواز گردشگری تعارض دارند. روایات مزبور به صورت زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند تا چگونگی رفع تعارض آنها با ادله جواز گردشگری روشن شود؛



برای خدا)، و پیروی از دین فطری یکتاپرست آسان‌گیر، بدون رهبانیت و سیاحت (دوره‌گردی و گدایی برای کشتن نفس)»<sup>۱</sup>

۴- حدیث «زام (سوراخ کردن بینی)، «خزام» سوراخ کردن گوش شتر و عبور حلقه از آن، گوشه‌گیری، ترک ازدواج و سیاحت در اسلام وجود ندارند» این حدیث از طریق ابن جریح از حسن بن مسلم و او از ابن طاوس، به صورت مرفوع نقل شده است. راویان این اسناد ثقة دانسته شده و از همین رو آن را مرسل صحیح دانسته‌اند. اسناد دیگری نیز برای آن بیان شده است [۲]

منابع حدیثی [۵۹، ۶۰] و مفسران [۱۰] عبارت مزبور را به نقل از ابن اثیر [۶۱] به عنوان حدیث تعبیر نموده‌اند. بسیاری از کتب لغت دیگر، از جمله تاج العروس [۳]، تهذیب اللغه [۶۲] نیز از جمله مزبور به عنوان حدیث تعبیر کرده‌اند. با این حال ابن اثیر اولین فردی نیست که از جمله مزبور به عنوان حدیث یاد کرده است، زیرا ابن اثیر متوفای ۶۰۶ هجری می‌باشد و پیش از ابن اثیر، اولین بار ابن قتیبه دینوری که متوفای سال ۲۷۶ هجری است، جمله مزبور را در کتاب [۵۴]، حدیث برشمرده است؛ همچنین پس از ابن قتیبه دینوری، ابو عبید هروی، جمله مزبور را حدیث تلقی کرده است.

## ۲-۴. حل تعارض احادیث نکوهش‌کننده سیاحت و ادله‌ای که سیاحت را جایز می‌دانند

چنان‌که گذشت، ادله زیادی اعم از آیات و روایات، بر جواز سیاحت به معنای گردشگری دلالت دارند؛ برخی از ادله تحت عناوین «سفر»، «سیر»، «نفر» و مانند این‌ها به جواز سیاحت تصریح دارند، زیرا همه آنها زیرمجموعه «سیاحت» هستند؛ از سویی با توجه به مصادیق مختلف «سیاحت» و شرایط گوناگون آن، سیاحت می‌تواند به «سیاحت واجب»، «سیاحت مستحب» و مانند آن تقسیم شود. از سوی دیگر،

۱- روایت سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ که در آن پیامبر (ص) فرموده‌اند: «در امت من رهبانیت، سیاحت و سکوت (روزه سکوت) نیست [۵۳، ۵۴]

حدیث مزبور در منابع حدیثی اهل سنت به کار نرفته است، اما فقهای شیعی با استناد به آن، مواردی هم‌چون حرمت رهبانیت، سیاحت و روزه سکوت را نتیجه گرفته‌اند [۴۸]

۲- روایت سعد بن مسعود کنانی که در آن آمده است: عثمان بن مظعون گفته به رسول خدا (ص) عرض کردم دلم می‌خواهد که سیاحت کنم و به کوه بروم؛ حضرت فرمودند: «ای عثمان این کار را انجام نده، زیرا سیاحت امت من جنگ و جهاد است» [۵۵]

حدیث مزبور مجهول یا ضعیف است [۵۵]، اما برخی از فقهای امامیه با استناد به این حدیث و مانند آن فضیلت جهاد را نتیجه گرفته‌اند [۵۶] برخی نیز در همین راستا سیاحت را به معنای گردشگری و تفریح دانسته و به برتری جهاد نسبت به سیاحت اشاره نموده و گفته‌اند اگر مسلمانی بخواهد گردش و تفریح کند و عمر خود را در این راه بگذراند، شایسته است که به جهاد و جنگیدن با دشمنان اسلام بپردازد و به جای تفریح در دشت و کوه به جبهه نبرد برود [۵۷]

در منابع حدیثی اهل سنت نیز حدیثی به همین مضمون نقل شده است. بر اساس این حدیث شخصی از پیامبر (ص) اجازه خواست که به سیاحت برود؛ حضرت به وی فرموده‌اند که سیاحت امت من جهاد است.

برخی از دانشمندان اهل سنت با استناد به حدیث مزبور، مذموم بودن سیاحت به مفهوم گذشته آن را نتیجه گرفته‌اند [۵۸]

۳- روایت امام صادق (ع) که در آن فرموده‌اند: «خدای متعال به محمد (ص) شریعت‌های نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (ع) را بخشید، یعنی توحید و اخلاص و فرو افکندن همتایان (شریک قائل نشدن

منزوی بودند. از آنجا که اسلام با رهبانیت و انزوی اجتماعی مخالف است، سیاحت به معنای رهبانیت سیار را نیز محکوم می‌کند [۶۴، ۱۰].

با توجه به آن که در پاره‌ای از روایات مربوط به مذمت سیاحت، از دو واژه «سیاحت» و «رهبانیت» استفاده شده است، باید گفت که رهبانیت به دو گونه ثابت یا ایستا و سیار تقسیم می‌شود و هر دو نوع به معنایی که گذشت، مذموم هستند. در گذشته برخی از مردم به طور کلی خانه و محل زندگی خود را ترک می‌کردند و دائماً به صورت سیار در گردش بودند و به محیطی که می‌رسیدند، از مردم و زندگی آن محیط فاصله می‌گرفتند و آن را عبادت و ترک دنیا می‌دانستند.

۴- منظور از سیاحت در روایاتی که آن را نکوهش کرده‌اند، آن است که شخص از نظر اخلاق یک‌رنگ و یکسان نباشد، بلکه اخلاق وی در شرایط گوناگون متفاوت باشد. در چگونگی این برداشت از کلمه «سیاحت» باید گفت که کلمه مزبور از تسییح در لباس، یعنی لباسی که دارای خطوط مختلف است، نتیجه گرفته شده است [۶۱]. چنین ویژگی، خصوصیت افراد منافق است که در روایات مورد نکوهش قرار گرفته است، چنان که پیامبر(ص) فرموده‌اند: «کسی که ظاهر او مخالف باطن و قلب او شد، منافق است، هر که می‌خواهد باشد [۵۹] با توجه به این تفسیر، روایاتی که سیاحت را نکوهش می‌کنند با روایات و ادله دیگری که سیاحت را جایز می‌دانند، تعارض ندارند.

۵- منظور از سیاحت در روایاتی که آن را نکوهش می‌کنند، آن است که بدون داشتن هدف شرعی به سفر و سیاحت پردازند، یا آن که بدون در نظر داشتن مکان

روایات چندی که به آنها اشاره شد، از «سیاحت» نکوهش می‌کنند. از همین رو برخی با استناد به آن روایات، سیاحت را جایز ندانسته‌اند، بنابراین برای حل تعارض بین ادله جواز و عدم جواز سیاحت می‌توان به راهکارهای زیر دست یازید:

۱- احادیثی که از سیاحت نهی کرده‌اند، نوع خاصی از سیاحت، یعنی دور شدن از جامعه و ترک حضور در نماز جمعه و جماعات را نکوهش می‌کنند [۵۵]. از این رو سیاحت به معنای گردشگری را نفی نمی‌کنند و با ادله‌ای که از جواز گردشگری سخن می‌گویند، تعارض ندارند.

۲- احادیثی که از سیاحت نهی می‌کنند، سیاحت به معنای حرکت بر روی زمین برای افساد بین مردم، سخن‌چینی بین ایشان و شرآفرینی را نهی می‌کنند [۶۳، ۵۵، ۱۷]. از همین رو علی (ع) فرموده‌اند: «آنها چراغ‌های هدایت و نشانه‌های رستگاری‌اند، نه فتنه‌انگیزند و اهل فساد، و نه سخنان دیگران و زشتی این و آن را به مردم رسانند»<sup>۱</sup> مساییح، جمع مسیاح و به معنای کسانی است که برای فساد و سخن‌چینی در بین مردم حرکت می‌کنند (همان)؛ در این صورت روایاتی که از سیاحت نهی می‌کنند، گردشگری به معنای امروزی را در برنمی‌گیرند.

۳- منظور از سیاحت مذموم که در روایات مورد اشاره از آن نهی شده است، آن است که افرادی همه عمر یا قسمتی از عمر خویش را به طور کلی از فعالیت اجتماعی و مفید جدا کرده و هم‌چون رهبان‌ها زندگی کنند و سربار جامعه شوند. به تعبیر دیگر، افرادی که این نوع سیاحت مذموم را انجام می‌دهند، رهبانیت سیار دارند، در مقابل رهبان‌های ثابت که در دیرها

<sup>۱</sup> نهج البلاغه: سید رضی، محمدبن حسین؛ (۱۴۱۴ق)، ج ۱، قم: مؤسسه نهج البلاغه.

نعمتی از آن شما می‌بود، ما هم از آن برخوردار می‌شدیم. حضرت در پاسخ فرمودند: «ای معلی! به خدا سوگند که اگر چنین می‌بود (و نعمت و حکومت در دست ما بود)، برای ما جز نگهبانی شبانه و سیاحت در روز چیزی نبود» [۱۹].

منظور از سیاحت در این روایت، مصادیق محمود سیاحت هم‌چون ریاضت نفس، تلاش و اهتمام در امور دنیا و آخرت مردم، جهاد، تلاش برای رفع نیاز مؤمنان برای کسب رضایت خداوند و روزه گرفتن است [۶۰]. در این صورت، با سیاحت به معنای گردشگری تعارض ندارد.

### نتیجه گیری

از آنچه گذشت نتایج زیر به دست می‌آید:

۱- اسلام با سیاحت به معنای گردشگری موافق است، با این حال اهدافی برای آن قائل است که از جمله آنها عبارتند از: افزایش علم و آگاهی و تجربه، عبرت گرفتن، کمک به دیگران، رفاه اقتصادی، استحکام نهاد خانواده، خودسازی، سلامتی، آرامش، همزیستی مسالمت‌آمیز ملت‌ها و مانند این‌ها؛ از همین رو با سیاحت به معنای رهبانیت متحرک مخالف است.

۲- با توجه به معنای لغوی «سیاحت» که مطلق رفتن در روی زمین است، مواردی هم‌چون «سفر»، «سیر»، «نفر»، «هجرت» و مانند این‌ها که در متون اسلامی، از جمله قرآن مورد توصیه قرار گرفته‌اند، زیرمجموعه سیاحت به معنای لغوی آن قرار می‌گیرند؛ با این حال، نوع مذموم سیاحت که اهدافی هم‌چون بریدن از جامعه، سخن‌چینی، افساد بین دیگران و مانند این‌ها را دنبال می‌کنند، گرچه زیرمجموعه عنوان کلی سیاحت قرار می‌گیرند، مورد پذیرش نیستند.

۳- معنای لغوی نخستین «سیاحت» که به تصریح برخی از عالمان، تنها به معنای مطلق رفتن در روی

خاص، اقدام به سفر کنند. این نوع تعبیر در منابع اهل سنت زیاد به چشم می‌خورد، چنان‌که گفته شده: «سفرها و سیاحت‌های مباح عبارتند از: سفر تفریحی، سفر تجاری و سفر برای افزایش روزی، مشروط به آن که به خاطر غنی شدن به حد طغیان نرسد؛ اما سیاحت بدون داشتن هدف و در نظر گرفتن مکان خاص مورد نهی قرار گرفته است» [۶۵] در عبارت یادشده، غرض به طور کلی بیان شده و مقید به شرطی نشده است؛ اما برخی از فقهای اهل سنت، مثلاً بهوتی تعبیر «السیاحه لا لغرض شرعی» را به کار برده است. برخی از منابع فقهی از سیاحت یادشده با عنوان «سیاحت لغیر قصد شرعی» [۶۶] تعبیر نموده‌اند.

این تعبیر، به «سفر معصیت» که موجب تمام بودن نماز می‌شود، خیلی نزدیک است، چنان‌که برخی از فقهای امامیه گفته‌اند: «هرگاه فردی به قصد تفریح یا سیاحت (گردش) مسافرت کند، سفر وی حرام نیست و واجب است که نمازش را شکسته بخواند» [۲۴].

این تعبیر با سیاحت به معنای قدیم آن که در نصاری متداول و رایج بوده، هم‌خوانی دارد، زیرا یکی از اقسام سفر یا سیاحت معصیت است. برخی از راه حل‌های پیشین، هم‌چون سفر برای افساد بین مردم یا سخن‌چینی و... می‌توانند از اقسام سیاحت به معنای «سیاحت به انگیزه غیر شرعی» یا «سفر معصیت» باشند، از همین رو برخی از فقهای امامیه هم‌چون آیت‌الله عبدالحسین لاری، سیاحت قلندریه و صوفیه را از اقسام سیاحت حرام برشمرده‌اند [۴۱].

گذشته از روایاتی که به مصادیق مشروع از سیاحت، هم‌چون روزه، جهاد و مانند آنها اشاره دارند، پاره‌ای از روایات به طور کلی به سیاحت اشاره نموده‌اند، چنان‌که در حدیث ابن ابی‌عمیر آمده که حماد بن ثابت گفته: روزی به امام صادق (ع) عرض کردم فدایت شوم! به یاد خاندان فلان و نعمتی که در آن غوطه‌ور هستند، افتادم و با خود گفتم که اگر چنین

زمین است و قید «برای عبادت» در معنای لغوی آن نیست و همچنین، تعریف «سیاحت به معنای رفتن روی زمین برای عبادت» که معنای اصطلاحی رایج در نزد نصاری بوده، نشان می‌دهد که در طول زمان، کلمه «سیاحت» دچار تغییرات زیادی شده و مصادیق جدیدی یافته است.

۴-روایاتی که از سیاحت نکوهش کرده‌اند، با ادله‌ای که بر جواز گردشگری دلالت دارند، متعارض نیستند، زیرا به دو نوع مختلف از سیاحت اشاره دارند؛ یعنی دلایلی که سیاحت را نکوهش کرده‌اند، بر «سیاحت» به معنای مذموم آن، یعنی رهبانیت و انزوای غیر ایستا یا سیاحت به هدف غیر شرعی

هم‌چون افساد بین دیگران، سخن‌چینی و مانند آن دلالت دارند؛ این نوع سیاحت، موجب ترک جمعه و جماعات و تعطیل شدن فعالیت اجتماعی و اقتصادی فرد می‌شود. اما سیاحت محمود موجب پایداری زندگی اجتماعی، استحکام نهاد خانواده، پیشرفت و نشاط علمی و اقتصادی و کسب تجارب مفید و مانند آن می‌شود، از همین رو فقهای اسلامی در بحث نماز و روزه مسافر و مانند آن احکام متفاوتی برای این دو نوع از سیاحت بیان نموده‌اند.

#### تعارض منافع

نتایج حاصل از این مطالعه با منافع دیگر نویسندگان در تعارض نمی‌باشد.

Research article Journal of Halal Research/ 2020; 3(2):1-15

**How to sum up halal tourism and hadiths that have denounced tourism**Morteza Rahimi<sup>1†</sup>*1- Department of Quranic Sciences and Jurisprudence, Faculty of Theology, Shiraz University, Iran**Received: 24 March 2020**Acceptance: 14 September 2020***ABSTRACT**

This research, which has been conducted using descriptive and analytical methods, seeks to gather halal tourism among the narrations that have denounced tourism, and it can be found that Islam has set goals for tourism. Factors like "travel," "journey," "person," "hijra," and so on are subset of tourism. Hadiths that have denounced travel do not negate halal tourism because such hadiths speak of "tourism" in its presumed sense, i.e. monasticism and mobile isolation, safari with a non-religious purpose, such as decisiveness among others. Chinese and the like signify, but good tourism (halal tourism) leads to the sustainability of social life, strengthening the family institution, scientific vitality, gaining useful experiences and the like, so in the discussion of prayer and fasting traveler and the like, different rulings for halal and haram tourism are expressed.

**Keywords:** Tourism; Halal Tourism; Divinity; Travel

† Correspondance to: Morteza Rahimi, [mrahimi@shirazu.ac.ir](mailto:mrahimi@shirazu.ac.ir), Tel.: +98-09173197289

[view Journal](#)

<https://doi.org/10.30502/h.2020.224398.1018>



This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International](#) license

## Refrence:

- [1]. Khatunabadi Mazandarani MI. altielyqat ely alrisalat alsuwmyt Sheikh Al-Baha'i, First Edition, Qom: Ashura Institute. 1427 AH.[In Arabic]
- [2]. Albani Ashqadari N.(Bit). Correct series volumes. Volume four, Bija, Bina.
- [3]. Morteza Zubaidi M(Bit), Crown of the Bride, vol. 4, first edition, Beirut: House of thought.
- [4]. Ibn Manzoor, MM. (1414), Language of the Arabs, vol. 2, third edition, Beirut: Dar Sader. 1414 AH.
- [5]. Farahidi KA (Bit). The Eye Book, vol. 3, Hijrat Publishing. Qom.
- [6]. Sahib Ibn Ibad II (Bit). Environment in language, vol. 3, first edition, Beirut, the world of books.
- [7]. Mustafa I, Ziyat A, Abd al-Qadir H(Bit). The Intermediate Dictionary, Vol. 1, Bija: Bina.
- [8]. Mashra Sabi'i B.N. New Jurisprudence Issues in Marriage, Part 1, first edition, Kuwait, Islamic Awareness Magazine, Ministry of Endowments and Islamic Affairs. 1425 BC.
- [9]. Tabari, AM.(1412 AH), Collector of expression in the interpretation of the Qur'an, vol. 1, first edition, Beirut: House of Knowledge. 1412 AH.
- [10]. Makarem Shirazi, N. Proverbs in the Interpretation of the Book of God Almighty, vols. 6 and 12, first edition, Imam Ali (AS) School. Qom. 1421 AH.
- [11]. Shah Jahan Nadavi M. Tourism, its rules and customs in the light of law and Sharia, the house of scientific books. 1971 AD.
- [12]. Ibn Najim Hanafi Z (Bit). Sea fire.Explanation of Treasures of the Minutes, vol. 2, Bi cha, Beirut: House of Knowledge
- [13]. Isfahani AMH. (1409 AH), Passenger prayer. second edition, Qom: Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary of Qom. 1409 AH.
- [14]. Bagheri F, Abdi S, Abdi N. (2013), "Halal tourism, a new way to get rid of the petroleum mono-product economy", the first national conference on tourism, geography and sustainable environment. 2013.
- [15]. Yaghfori H, Alizadeh MR, Alam al-Huda MA, Islamfard F. "Presenting Strategic Planning to Use Iran's Halal Tourism Potential in the Integration of Islamic Countries", Fifth International Congress of Islamic Geographers. 2012.
- [16]. Ebrahimi E, Salehi M, Salehi F. (2014), "Semantics of the word tourism and its synonyms in the Qur'an", Journal of Quranic Literary Researchs, second year, 2014;. 81-96.
- [17]. Ragheb Esfahani H. (1990). Vocabulary in the strange Qur'an, Vol. 2, translated by Gholamreza Khosravi Hosseini, first edition, Tehran: Mortazavi. 1990.
- [18]. Faiz Kashani MM. Al-Wafi, vol 5 and 15, first edition, Isfahan: Amir Al-Mo'menin Library. 1406 AH.
- [19]. Klini MY. Enough, vols. 2, 4 and 9, first edition, Hadith House for printing and publishing, Qom, 1429 AH.
- [20]. Fakhr Razi AAM. Unseen keys. vol. 2, House Revise Arab Heritage. Beirut:1420 AH.
- [21]. Hor Ameli MH, Shiite means, vol. 15, first edition, Qom, Al-Bayt Institute (AS). 1409 AH.
- [22]. Bahrani HIS. (1415 AH), Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran, vol. 2, First edition, Qom: Al-Ba'ath Foundation, Islamic Studies Department. 1415 AH.
- [23]. Shukani MA.(Bit), Fateh Al-Qadir, Vol 2, Beirut: House of thought.
- [24]. Modarressi MT. (1419 AH), from the guidance of the Qur'an, vol. 16, first edition, Bina. 1419 AH.
- [25]. - \_\_\_\_\_ (1998), Hedayat Interpretation, vol. 16, translated by a group of translators, first edition, Mashhad: Islamic Research Foundation.
- [26]. Montazeri HA. The jurisprudential principles of the Islamic government, translated by Mahmoud Salavati and Abu al-Fadl Shakoori, vol. 3, First edition, Qom: Kayhan Institute. 1409 AH.
- [27]. Tayeb AH. (1378 AM), Taib al-Bayan in Interpretation of the Qur'an, vol 1, Tehran: The spread of Islam. 1378 AM.
- [28]. Shahoud AN (Bit), The Conclusion on the Rulings of the Martyr, Part 1, Bija: Bina.
- [29]. Hosseini Hamedani MH. Bright light, vol. 8, First edition, Tehran: Lotfi. 1404 AH.
- [30]. Abu Hayyan al-Andalus, MY. the oceanic sea, vol. 5, Bi Cha, Beirut: House of thought.1420 AH.
- [31]. Nishapuri M. Ijaz al-Bayyan on the Meanings of the Qur'an, vol 1, Beirut: The Islamic West House. 1415 BC.
- [32]. Ibn Najibah A. The Dead Sea in the Interpretation of the Holy Quran, Bi Cha, Cairo: Published by Dr. Hassan Abbas Zaki. 1419 AH.
- [33]. Najafi Khomeini M.J. Easy interpretation, first edition, Tehran: Islamic Publications. 1398 AH.

- [34]. 46- Ameli E Global interpretation, vol 4, PA, Tehran: The publications of Saduq. 1360 A.M.
- [35].Sheibani AHS. Rules of Women, vol 1, Bija: Al-Rayyan Foundation for Publishing and Distribution. 1423 AH.
- [36]. Ibn Rajab Baghdadi ZAR.Fath al-Bari, vol. 1, first edition, Cairo: Bina. 1417 AH.
- [37]. Reza MR. (1414 BC), Al-Manar, vol 11, first edition, Beirut: House of Knowledge. 1414 BC.
- [38]. aziri, Abdul Rahman. Jurisprudence on the four religions, vol. 1, ch. 2, Beirut: Scientific Books House. 1424 AH.
- [39]. Nawy, Zakaria Mohi Al-Din (PETA). – Total ' , C5, PA, Beirut: House of thought
- [40]. Rahimi, M, Mousawy Sadat Zaha. (1389 A.M.), “The Journey and Travel of women from View of the Qur’an and Narrations”, Kawthar’s magazine, vol 37, pp. 76-95. 1389 AM.
- [41]. Larry AH. Commentary on the Achievements for Larry, vol. 1, first edition, Qom: Islamic Enlightenment Foundation. 1418 AH.
- [42]. Shah Abdul-Azimi H (1363 AM), The twelfth interpretation, vol 13, first edition, Tehran: Miqat. 1363 AM.
- [43]. Mostafavi H. Clear interpretation, vol 16, first edition, Tehran: Book Publishing Center. 1380 AM.
- [44]. Tabrisi FH Jameh mosquesi`, vol. 4, first edition, Tehran: Publications of University of Tehran. 1377 A.M.
- [45]. Rahmana Z. translation and interpretation of Rahmana, vol 4, bija, Tehran: Kayhan Publications.. 1346 AM.
- [46]. Tusi AMH. (Bita), Al-Tabiyan in Interpretation of the Qur’an, vol 10, first edition, Beirut: The House of Revival of Arab Heritage.
- [47]. Shaarawy Motawally M. Interpretation of poetry, vol 9, bija: The Culture Sector. 1997 AD.
- [48]. Najafi MH. Speech Jewels, vol. 17, first edition, Beirut: House revived Arab heritage. 1401 AH.
- [49]. Mohaqiq Hali NJ. The Laws of Islam in Issues of Lawful and Haram, vol 1 , first edition ,Qom: The Ismaili Foundation. 1408 BC.
- [50]. Ainani Ameli MH. writing the number sermons, by Ali Meshkini, eighth edition, Qom: Al-Hadi. 1424 AH.
- [51]. Nouri Tabarsi H. Mustadrak means, vol 1, first edition, Beirut: Al-Bayt Institute AS. 1408 AH.
- [52]. Shirazi SS. (1428 BC), The Jurisprudence of Tourism, vol 1, Bija: Bina, House of neighborhoods.. 1428 BC.
- [53]. Saduq Qomi MA The meanings of the news, Bi Cha, Qom, Islamic Publications Office. 1430 AH.
- [54]. Saduq Qomi MA. Vol 1, first edition, Qom: a university of teachers. 1362 AM..
- News of satisfaction eyes, vol 4, first edition, Tehran: Published by Jahan. 1378 AM.
- [55]. Majlis MB. A haven of choice in understanding the edification of the news, vol 5 ,first edition, stand up: Ayatollah Marashi Library.1406 BC.
- [56]. Allama Hali HY. Muntaha al-Muttalib, Part 1 , first edition ,vol 14 Mashhad: Islamic Research Academy. 1412 BC.
- [57]. A group of researchers in the Research Institute of Islamic Research. Jihad in the Mirror of Narrations, vol. 2, first edition, Qom: Zamzam Hedayat Publications. 1428 AH.
- [58]. Ibn Uthaymeen M. (Bita), Completing the judicial decree of the site. Bija: Bena.
- Ibn Muflih al-Maqdisi AM. Islamic Law, vol1, third edition, Beirut: Foundation for the Message.1419 BC.
- [59]. Seas of Lights, vol 6, 65 and 69, bija, Beirut: The Wafa Foundation. 1403 BC.
- [60]. Mirror of the Minds in the explanation of the news of the Prophet, vols. 3 and 7, second edition, Tehran: Islamic Library. 1404 AH.
- [61]. Ibn Athir Jazri MM. The End in the Strange Hadith and Works, Vol. 2, fourth editon, Qom: Ismaili Press Institute. 1367.
- [62]. Azhari MA.(bita), Refine the language, vol 5 , ,fifth edition, Beirut: The Arab Heritage Revival House.
- [63]. Tarihi F. (1416 AH), Bahrain Society, third edition. Tehran: Mortazavi Bookstore. 1416 AH.
- [64]. Sample Interpretation, Volume 16, first edition, Tehran: Islamic Bookstore. 1995.
- [65]. Zarkchi AAB. (Bita), blatant ambiguity in what the traveler needs, vol 1, bija, bita.
- [66]. Sauti Shahri Rahiani M. the first demands for the forbidding of explaining the final purpose, vol 1 second edition ,Bija: The Islamic Office. 1415 BC.
- Zamakhshari MO. (Bita), The superlative in the strange hadith, first edition ,Beirut: The Scientific Books House.